

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۲ چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹، ۳ فوریه ۲۰۲۱

www.kurdistanmedia.com



جنگ مغلوبه روانی



در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، وقتی که انتخاباتی برای انتخاب نمایندگان مجلس موسس قانون اساسی بعد از انقلاب به تاراج رفته مردم ایران انجام شد، در استان ارومیه، دکتر قاسملو به عنوان نماینده کوردها و ترک‌های ساکن در این استان منتخب شدند، اما در مقابل خمینی اعلام کرد اگر به تهران بیاید نخواهیم گذاشت برگردد و اعدامش می‌کنیم. آخوندی مرتجع با این چنین کینه و نفرتی نسبت به قاسملو فرزانه که ایشان را همچون خاری بر چشمان ایدئولوژی ویرانگر خود می‌دید به تقلا افتاد تا مانع گسترش افکار جهان‌شمول و مترقی ایشان شود.

در سال ۱۳۶۸ خورشیدی، همزمان با چهلمین روز مرگ خمینی، تروریست‌های فرستاده رفسنجانی و خامنه‌ای، دکتر قاسملو را در روز عید قربان، قربانی مرگ جلاده جماران کردند بلکه با این اقدام تروریستی، قاسملو را از کوردستان گرفته و در ایران نیز دیگری اثری از دژ مستحکمی که مملو از ایمان و باور به آزادی باشد در مقابل خود نداشته باشند.

همه نقشه و برنامه‌هایی که برای از سر راه برداشتن دکتر قاسملو داشتند، یکی پس از دیگری خنثی و حتی ترور فیزیکی ایشان نه تنها مانع گسترش افکار ایشان نشد بلکه باعث بازتاب گسترده افکار و باورها و مبارزات این رهبر فرزانه ملی و دمکرات شد و نه فقط در کوردستان، بلکه در ایران و سراسر عالم نیز رژیم جعلی خمینی را رسواتر از هر زمان دیگری کرد.

دکتر قاسملو همه زندگی خود را وقف جنبش ملی – دمکراتیک، ملت کورد کرد و همین باعث شده که ملت قدردان و هوشیار کورد نیز در تداوم جریان مبارزات برحق ایشان هر ساله هزاران رهرو

ادامه در صفحه ۳



احزاب کوردی است. به طور خلاصه اگر بخواهیم نتیجه‌گیری از این پروسه داشته باشیم می‌توان گفت این جرایان همچنان که قبلا اشاره گردید اهداف مختلفی را در نظر دارد:

- ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه مدنی کوردستان با هدف پرداخت هزینه بیشتر فعالیت‌های هویت طلبانه

- جلوگیری از واکنش جامعه مدنی به منظور تحریم انتخابات رئیس جمهوری

- ایجاد تفرقه میان احزاب کورد با هدف متزلزل نمودن پایگاه آنان در میان مردم

- تحمیل فضای سنگین امنیتی بر فعالان سیاسی اخیر کوردستان ایران

- ایجاد فضایی فوبیایی در اذهان ملت‌های غیر کورد

- تحریف تاریخ کوردستان با هدف تشویش اذهان نسل تازه کورد

- ایجاد انگاره‌سازی نزد مردمان غیر کورد برای حمله‌ای سرتاسری

این طبیعت و ذات همه سیستم‌های متحجر است که با تبلیغات دروغین خود و خدشه‌دارکردن جنبش‌های حق‌طلبانه سعی بر آن دارند فکر و ذهنیت مردم را مسموم کنند که در بافت جنگ نرم تعریف می‌شود، جنگ نرم اینباره رژیم علیه کورد جنگی نرم و دشوار است اما با شکست شروع شده است!

رژیم ضد کورد ایران سالیان مدیدی است در این راستا قدم نهاده است و کم نیستند این به نام برنامه‌های سینمایی که گروه‌های ویژه و مشخص وابسته به وزارت اطلاعات آنان را تولید کرده تا از سویی مردم غیر کورد را دچار فوبیایی مصنوعی علیه کورد کنند و از سویی دیگر فکر نسل تازه کوردستان که آگاهی و تجربه‌ای زیاد نسبت به گذشته پر از افتخار خود ندارند که تهران چه جنایت‌هایی در کوردستان انجام داده است، منحرف کنند. هدف دیگر رژیم ایران از این نمونه کارها ایجاد شکاف بین مردم کورد و

صندوق‌های رأی بکشاند. جمهوری اسلامی در این مدت جدای از هتک حرمت‌هایی که به ملت کورد انجام داده و اقدام به بازداشت‌های فله‌ی در کوردستان کرده است، سعی کرده است جنبش ملت کورد در کوردستان ایران و همچنین حاکمیت کورد در بخش دیگری از کوردستان را خدشه‌دار کند؛ آن‌هم با تولید و انتشار طنز «روزهای ابدی» و مستندی به نام «لبه دوم تیغ» و فیلم کوتاهی بی معنا و پوچ به عنوان «توکل» که در هر سه محصول سینمایی رژیم ایران به شهدای پیشمرگه کوردستان و همچنین شخصیت‌های ملی جنبش کورد اهانت شده است. آنچه مشهود و انکارنشدنی است این واقعیت است که رژیم متحجر و متعصب ضد کورد اسلامی ایران از همان ابتدای روزهای نخست روی کار آمدن خود به هر خواست و مطالبه حق طلبانه کورد یورش کرد و با نهایت ددمنشی خود مقابل انقلابی‌ها و نیروهای حق طلب ایستادگی کرد.

بیشتر آنان فعالان مدنی و زیست محیطی هستند از سوی رژیم بازداشت شده‌اند. همزمان با این بازداشت‌های فله‌ای سازمان صدا و سیمای رژیم ایران و عوامل آن در چندین شهر کوردستان به شخصیت‌های سیاسی، ادبی، فرهنگی و ... یورش برده‌اند؛ اما این بار با چه هدفی؟

جمهوری اسلامی در آخرین انتخابات مجلس خود دچار بحران مشروعیت گردید، همچنین به سبب مدیریت غیرسالم و وجود مافیاهای گوناگون اقتصادی، در رأس آن سپاه تروریست پاسداران، دچار فروپاشی اقتصادی شده است و همچنین با انتخابات رئیس جمهوری آتی مواجه است! با توجه به این حقیقت که کوردستان امروزه به مانند گذشته مرکز اصلی جنبش‌های آزادیخواهی علیه استعمار رژیم اسلامی ایران است، معلوم است از سویی سعی در ایجاد رعب و وحشت دارد و از سویی دیگر به منظور انکار بحران‌ها، تلاش دارد مردم را پای

جمهوری اسلامی ایران هر وقت دچار بحران و مشکلات بزرگی شده است که توانایی حل آن را نداشته باشد، تلاش کرده است با برخوردی هیستریایی که در حقیقت نشان از ماهیت خود رژیم می‌باشد خشم خود را فروکش می‌کند. برای مثال در زمان جنگ ۸ ساله ایران شکست خورد و مجبور به نوشیدن جام زهر شد و دو پروژه موازی را شروع کرد: نخست؛ اعدام بیش از ۷ هزار زندانی سیاسی در مدت ۳ ماه و دوم؛ قتل‌های زنجیره‌ای داخلی و خارجی.

یا زمانیکه در پروژه‌ای سیاسی با شکست مواجه می‌گردد و مردم آن را فریب و اغواگری می‌دانند دست به بازداشت‌های فله‌ای و برخورد شدید با مردم می‌زند همچون سال‌های ۸۴ و ۸۸ خورشیدی.

این اقدام هیستری که جزئی لاینفک از ماهیت رژیم می‌باشد در پاره‌ای از مواقع به اوج خود رسیده است. در تازه‌ترین حالت طی دو ماه اخیر فقط در کوردستان بیش از ۱۰۰ شهروند کورد که

دیدار مسئول اجرایی حزب دمکرات با اتحادیه دانشجویان دمکرات کوردستان



"هجری" همچنین به فشارهای رژیم ایران بر دانشجویان به ویژه دانشجویان کورد اشاره کرد که چگونه آن‌ها را وادار به ترک سرزمین مادری خود کرده که ما این پدیده را به فرار مغزها می‌شناسیم و متأسفانه کوردها بیشترین قربانی را در این مورد دادند.

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان در ادامه به مرحله نوین مبارزاتی ملت کورد در کوردستان ایران "راسان" و همچنین نقش پر رنگ جوانان به ویژه جوانان تحصیل کرده که به صفوف مبارزاتی حزب ملحق شده اشاره کردند. در ادامه

"مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، طی نشستی از اعضای رهبری پیشین و همچنین تازه منتخب شده کنگره ۱۶م اتحادیه دانشجویان استقبال کرد.

روز سه‌شنبه، مورخ ۳۰ دی ماه ۱۳۹۹ خورشیدی مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان طی دیداری با اعضای رهبری پیشین و همچنین تازه منتخب شده کنگره ۱۶م اتحادیه دانشجویان دمکرات کوردستان بحثی کلی در مورد وضعیت دانشجویان در کوردستان و همچنین نقش این قشر در جنبش آزادیخواهی ملت کورد داشتند.

برگزاری مراسم دوم بهمن‌ماه در کوهستان‌های کوردستان

کورد به صورتی که هم‌اکنون در هر چهار بخش کوردستان با افتخار و احترام از این روز یاد می‌کنند. جمهوری کوردستان اولین جمهوری دمکراتیکی بود که در خاورمیانه تأسیس شد.

در ادامه مراسم گروه موزیک نیروی پیشمرگه کوردستان چند سرودی را به همین مناسبت تقدیم حضار کردند.

مراسم با شادی و "هه‌لپه‌کچی" کوردی خاتمه پیدا کرد.

و دقیقه‌ای سکوت به پاس جانفشانی و فداکاری شهدای کورد و کوردستان آغاز شد.

بعدها "لقمان مهفر" عضو هیات اجرایی شورای سیاست گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران، طی سخنانی به این روز فرخنده در تاریخ مبارزاتی ملت کورد اشاره‌ای داشتند.

"مهفر" در سخنان خود افزود که جمهوری کوردستان سرمایه‌ای ارزشمند و گران‌قدر است برای ملت

نیروی پیشمرگه کوردستان مستقر در کوهستان‌های کوردستان به مناسبت دوم بهمن ماه، سالروز تأسیس جمهوری کوردستان مراسمی را برگزار کردند.

روز شنبه، مورخ ۴ بهمن ماه، با حضور شماری از اعضای رهبری، فرماندهان نیروی پیشمرگه، کادر و پیشمرگه‌های کوردستان مراسمی ویژه در کوهستان‌های کوردستان برگزار شد.

مراسم با سرود ملی "ته‌ی رَه‌قیب"



دوره مقدماتی ۲۴۶ پیشمرگه کوردستان با موفقیت به اتمام رسید



آل‌ماس رضایی، محمد محمدپور، سالار عیسی زاده" به عنوان با دیسپلین‌ترین نفرات دوره از سوی "عثمان مولان‌نژاد" جوایز خود را دریافت کردند.

این مراسم با اجرای چندین آواز و سرود به اتمام رسید.

عضو هیات اجرایی شورای سیاست گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران، جوایز خود را دریافت کردند. "مولود آب جامه، یاسر مینا و دیار ناظم حکمت" شرکت کننده‌گانی بودند که موفق به کسب مقام‌های اول تا سوم شده بودند. همچنین

آموزشگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان از سوی "هیمن رسول‌آبادی" خوانده شد. در این مراسم به شرکت کننده‌گانی که در زمینه "سیاسی - نظامی" موفق به کسب مقام اول تا سوم شده بودند، از سوی "لقمان مهفر"

پیشمرگه در جنبش آزادیخواهی ملت کورد ارائه کردند. سپس سرودی از سوی شرکت کنندگان دوره تقدیم حضار شد. پیام دوره مقدماتی ۲۴۶ پیشمرگه از سوی شرکت کننده دوره "داتام هشادست" خوانده شد. در ادامه مراسم پیام

ملی "ته‌ی رَه‌قیب" و یک دقیقه سکوت به پاس روان شهدای کورد و کوردستان آغاز شد.

در ادامه مراسم "لقمان مهفر" عضو هیات اجرایی شورای سیاست‌گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران، بحثی کوتاه در مورد نقش

شماری از دختران و پسران آزادیخواه کورد به صفوف مبارزاتی پیشمرگه‌های کوردستان پیوستند. همزمان با سالروز تأسیس جمهوری کوردستان، دوره مقدماتی ۲۴۶ پیشمرگه کوردستان، با موفقیت به اتمام رسید. این مراسم با سرود

سه تشکل سیاسی طی بیانیه‌ای دستگیری‌های اخیر کوردستان را محکوم کردند

کوچک موجود در ایران است.

ما مردمان مبارز ایران را به گسترش مبارزات اعتراضی‌شان علیه جمهوری اسلامی فرامی‌خوانیم و از تمامی نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و مراجع بین‌المللی می‌خواهیم به جمهوری اسلامی ایران بدلیل نقض آشکار حقوق بشر در ایران اعتراض نموده و برای عدم رعایت حقوق بشر این رژیم را تحت فشار قرار دهند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
کنگره ملیت‌های ایران فدرال
شورای دموکراسی خواهان ایران
همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۹۹
۲۱ ژانویه ۲۰۲۱

ادامه سخن

با شعار: «قاسملو، قاسملو راحت ادامه دارد»، به صفوف مبارزان پیوست شوند.

تداوم افکار قاسملو در اذهان و روح ملی‌گرایی کوردها را می‌توان در پیوستن فرزندان آزادیخواه به جریان مبارزات ملی —دمکراتیک ملت کورده جستجو کرد. وارثان رژیم به جای مانده از خمینی از هر زمان دیگری بیشتر نگران بوده و بعد از چهار دهه توطئه و بعد از سه دهه از ترور فیزیکی دکتر قاسملو، حالا هم به جان افکار و اندیشه‌های قاسملو افتاده و برای این عمل ناشایست خود نیز تمامی جاش قلم‌ها را به حرکت واداشته‌اند.

با تحریف کردن چند صفحه و تحریک چند شخص خود باخته، نخواهند توانست کوچکترین خدش‌های به سیمای رهبری وارد کنند که تمامی اسناد دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی را گشتند و جز تعهد ایشان به آرمان‌های ملت کورد چیزی نیافتند که نشان دهنده کوچکترین آسیبی به منافع هیچ بخشی از کوردستان بوده باشد.

دکترقاسملو برای دهه‌های متمادی، طراح و بنیانگذار روابط سالم و منسجم میان بخش‌های مختلف جنبش رهایی بخش ملت کورد بودند و در همین مورد نیز همه مبارزین واقعی حزب و احزاب سیاسی دیگر بخش‌های کوردستان، شاهد فعالیت‌ها و از خودگذشتگی و پیگیری و ذکاوت ایشان بودند و احتیاجی به بحث و دفاع کردن نیز ندارد، چراکه یاد وی ملتی را به حرکت درآورده و نامش نیز کاخ ستمگرترین و تروریست‌ترین رژیم منطقه را به لرزه درمی‌آورد.

آنچه که لازم و هدف این نوشته است و لازم است که در این مجمل گفته شود این است که، در این وقت و زمان توطئه و تقلابهایی شکستن و خدشه‌دار کردن نام دکتر قاسملو، تکرار تلاش‌های مذبوحانه و شکست خورده خمینی و پیروان او است که، تنها توانستند جسم قاسملو رهبر را از ما بگیرند در حالیکه در قبال عظمت شخصیت و افکار ایشان همچون مگسی در جولانگه سیم‌رغند.

نمونده است.

رفتار جمهوری اسلامی در سراسر ایران و بویژه در مناطق ملی مسبب ایجاد بحران اقتصادی شده است و عدم اهمیت جان شهروندان در ساختار جمهوری اسلامی وضعیتی را بوجود آورده که کنترل اپیدمی در ایران از هر کشور دیگری مبهم‌تر شده است و اضافه شدن نقض حقوق بشر به این ابر بحران‌ها، وضعیت مردمان ایران را اسفناک و غیرقابل تحمل کرده است.

سه ائتلاف، همبستگی برای آزادی و برابری در ایران، کنگره ایران فدرال و شورای دموکراسی خواهان ضمن محکوم کردن موج جدید دستگیری‌ها در شهرهای کردستان، باری دیگر تاکید می‌کند که جمهوری اسلامی عامل اصلی لاینحل بودن بحران‌های بزرگ و

متن پیام این چنین است:

در اعتراض به دستگیری‌های اخیر در کردستان

ظرف ۱۰ روز گذشته بالغ بر ۳۰ نفر از شهروندان کرد در شهرهای کرماشاه، سنندج، مهاباد، مریوان، سقز، بوکان و توسط سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، بدون هیچ مدرک و دلیلی دستگیر شده‌اند.

دستگیری‌های اخیر در راستای تداوم همان نظام سرکوبی است که بالغ بر ۴۲ سال است بر ایران حاکم است و بدون تردید این موج جدید از دستگیری‌ها نیز بخشی از ساختار ایجاد رعب و وحشت جهت جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات مردمی است که جمهوری اسلامی از بدو تشکیل تا حال در حفظ و تشدید آن تلاش



بیانیه‌ای دستگیری‌های اخیر کوردستان را محکوم کردند.

در ایران، کنگره ایران فدرال و شورای دموکراسی خواهان طی

کنگره ملیت‌های ایران فدرال، همبستگی برای آزادی و برابری

آموزشگاه زبان کوردی "ادب" در شهر بوکان، مراسمی را به مناسبت دوم بهمن‌ماه برگزار کرد

حضر کردند.

همچنین استادان دوره‌های آموزشی زبان کوردی "امید شادروان، کومار مجیدی و صلاح صالحی" ضمن ابراز سخنانی گزارشات دوره آموزشی را به سمع و نظر حضار رساندند.

مراسم با اهدای گواهی نامه آموزش زبان کوردی به شرکت کنندگان دوره‌ها به خاتمه پیدا کرد.

تحریف اراده انقلابی ملت کورد توسط رژیم ایران

و مردمانی یاد کردند که برای آزادی ملت و سرزمینشان بی دریغ مبارزه کرده و هزارها قربانی دادند. این فیلم کوتاه که سراسر تحریف و دروغ می‌باشد رسانه رژیم سعی کرده که کوردها را وابسته به بیگانه‌گان و بدون هیچ گونه اراده انقلابی نشان دهد، این در حالی است که همه رسانه‌های دنیا از نقش و اراده فولادی "پیشمرگه" تمجید و بارها مقامات اروپایی و آمریکایی مقاومت کوردها در برابر "داعش" را ستودنی خواندند. رژیم ایران مدتی است که با همه توان سعی در شکاندن غرور، کرامت، اراده انقلابی و وطن دوستی کوردها کرده، که در حقیقت نشان از فوران تعفن درون خود نسبت به ملت کورد می‌باشد.

خبرنگاران مزدور مزد خود را در جشنواره پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی" دریافت کردند

ایران به آنان جایزه داده شد. در بخش عکس موضوعی، "نوید صیدیم‌رادی" از خبرگزاری شبستان شایسته، "مصلح پیرخضرانیان" از خبرگزاری "ایرنا"، "فرشید اردلان" از خبرگزاری ایسنا و "بختیار صمدی" از خبرگزاری فارس باج مزدوری خود را دریافت کرده‌اند. در بخش عکس آزاد، "ایمان فاتحی" از خبرگزاری میزان، "الهام امی" از خبرگزاری مهر و "کیوان فیروزه‌ای" از خبرگزاری مهر به آنان جایزه تروریست "قاسم سلیمانی" داده شده است. در بخش

احمدی" مسوول خبرگزاری "ایرنا" در چین "مسعود مرادسلیمی" عکاس بودند.در بخش تولیدات خبری این جشنواره رژیم به خبرنگاران مزدور خود جایزه داد. در بخش تولید خبر به "شیرین مرادی" از خبرگزاری فارس، "تشمیل نوشادی" از خبرگزاری "ایسنا"، "زهره نادری مقدم" از هفته نامه خبر کردستان، "فرید سماواتی" از هفته نامه ناوات، "علی کرمی" از سایت "تابناک" و "طاهره جلوخانی" از سایت "کورد تودی" برای خوش خدمتی به رژیم

روز شنبه، ۴ بهمن ماه ۱۳۹۹، نخستین جشنواره پاسدار تروریست "قاسم سلیمانی" با حضور عناصر وابسته به رژیم در شهر "سنه" برگزار شد. در این مراسم از مزدورانی تقدیر شد که در راستای اهداف شوم رژیم در کوردستان بیشترین خوش خدمتی کرده و علیه منافع ملت کورد قصوری نکرده‌اند.

داوران این جشنواره متشکل از"سلیمان الله مرادی" سرپرست "کیهان" در کردستان "شیروان یاری" هفته نامه "سیروان"، "مسعود



هتک حرمت به زندانیان از سوی مسؤلان زندان ارومیه

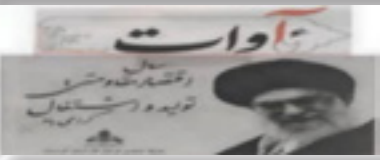
در ادامه بی‌حرمتی‌های رژیم به ملیت‌های غیر فارس، رژیم اشغالگر ایران این‌بار در زندان، پایگاه و مراکز نظامی خود به سایر افراد دیگر بی‌حرمتی می‌کند.

طبق اخبار رسیده وب سایت "کوردستان میدیا" دو نفر از مسئولان حفاظت اطلاعات زندان ارومیه به نام‌های "عباس مسعودی کیا" و "فرهاد حاجبی" با زندانیان زندان ارومیه برخوردی وحشیانه و نادرست کرده و آن‌ها را اذیت می‌کنند.

خبرهای رسیده حاکی از آن است که اشخاص نام‌برده جدای فشارآوردن به زندانیان و هتک حرمت کردن آنها، با استفاده از "تپانچه" بین زندانیان مانور داده و آن‌ها را آزار و اذیت می‌دهند.

تداوم هتک حرمت به زندانیان در ایران و به ویژه زندانیان کورد موج گسترده‌ای از اعتراضات را در داخل خود زندان‌های رژیم ایجاد کرده که موجب نگرانی سران رژیم شده است.

علی‌رغم اخطار مراکز فعال حقوق بشری، سران رژیم ایران هیچ یک از قوانین مرتبط با حقوق زندانیان را لحاظ نمی‌کنند.



از خبرگزاری کردپرس، در بخش شبستان ، "هیوا محمدرپور" از سایت خبری بارانی نیوز ، "شیوا اردلان منش" از خبرگزاری فارس و "میلاد مرادی" از خبرگزاری تسنیم از سوی رژیم به عنوان خبرنگاران مزدور مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. در بخش تیتیر "سروش حبیبی" از مهر، "شیرین مرادی" از خبرگزاری فارس و "کلثوم مومنی" از خبرگزاری ایرنا، در بخش یادداشت "چنور صادقی" از ایرنا، "عدالت ناصری" از خبرگزاری فارس و "منصور اولی"

خبر "شهین امجدی" از خبرگزاری شبستان ، "هیوا محمدرپور" از سایت خبری بارانی نیوز ، "شیوا اردلان منش" از خبرگزاری فارس و "میلاد مرادی" از خبرگزاری تسنیم از سوی رژیم به عنوان خبرنگاران مزدور مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. در بخش تیتیر "سروش حبیبی" از مهر، "شیرین مرادی" از خبرگزاری فارس و "کلثوم مومنی" از خبرگزاری ایرنا، در بخش یادداشت "چنور صادقی" از ایرنا، "عدالت ناصری" از خبرگزاری فارس و "منصور اولی"

دستگیری‌ها در کوردستان؛ اقتدار یا شکست



شورش

ابراهیمی

بودن دارد چگونه هر نوع فعالیت و حرکتی مدنی را برنمی‌تابد و این چنین نیروهای امنیتی خود را برای سرکوب و خفقان، بسیج کرده تا هر صدای مخالفی را آن هم به سبک قرون وسطایی خفه کند. پاسخ این پرسش خیلی ساده و بدیهیست چرا که اساساً رژیم جمهوری اسلامی از پایه دچار

رژیم در منطقه مبنی بر صدور انقلاب و ایجاد کريدوری بنام هلال شيعه جهت بسط نفوذ خود و بحران سازی از طريق مسلح کردن گروه‌های تروریستی و ناامن کردن منطقه طی سال‌های اخیر همگی با شکست مواجه شده و هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ استراتژیکی به بن بست رسیده و

روزها به حدی رسیده که غیر از ایجاد فضای رعب و وحشت در شهرهای کوردستان در زمینه‌ی نرم افزاری هم کمر همت بسته و هر روز به نوعی به مقدسات مردم کورد توهین می‌کند. البته این حال و روزی که این نظام بدان گرفتار آمده همانطور که اشاره شد قابل درک است ولی چرا مردم

چند هدف مشخصی را با درپیش گرفتن اقدامات اخیر تعقیب کند از جمله: ایجاد فضای رعب و وحشت جهت کاستن از روحیه‌ی مبارز طلبی مردم و تقویت روحیه‌ی از دست رفته‌ی نیروهای خودی به ویژه مزدوران محلی. این در حالیکه مردم کورد از هر زمان دیگری

بگنود دلخوش به فشارهای خارجی نباشند هنوز در داخل رمقی برای سرکوب باقیست و ماشین سرکوب همچنان و شاید شدیدتر نیز کار می‌کند و هر عامل تهدیدی علیه نظام را از سر راه برخواد داشت. متودی تکراری که به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک می‌کند.

ولی همانطور که اشاره شد مبارزات مردم کوردستان علیه این رژیم در طول زمامداری این رژیم در ایران در انواع شیوه‌های مبارزاتی تداوم داشته و خواهد داشت.

۴۰ سال سرکوب و خفقان در کوردستان جز سرخوردگی و شکست برای رژیم دستاوردی نداشته و این موج جدید دستگیری‌ها نیز مبارزین کورد را به زانو در نخواهد آورد.

آنچه عیان و مبرهن است مانند همیشه رسوایی دیگری بر پیشانی ننگین برجا خواهد ماند. این فشارها جز اینکه بار دیگر برای

منسجم تر و مصمم‌تر راه مبارزاتی خود را ادامه می‌دهند. وانمود کردن به وجود اشراف اطلاعاتی کامل نیروهای امنیتی خود و القاء حس ترس و کاهش اعتماد در بین گروه‌های مبارز

کورد باید تاوان بی‌کفایتی‌های سیاست‌گذاران رژیم را پس دهند جای تأمل دارد. دلایل زیادی برای این شیوه برخورد در کوردستان وجود دارد که مهمترین آن عزم راسخ مردم کورد برای احقاق

نه تنها عایدی برای خود نداشته بلکه برای ملت‌های منطقه نیز جز ویرانی و یأس و ناامیدی ارمغانی در پی نداشته است. این موج جدید از خشونت در کوردستان نیز نشأت گرفته از

بحران هویتی شده و هر اقدامی در جهت تقویت این پایه‌های لرزان غیر از بحران سازی و فرو رفتن بیشتر در عمق باتلاقی که خود باعث و بانی‌اش بوده پیشرفتی عایدش نمی‌شود. کارنامه‌ی چهار ساله‌ی

کارنامه‌ی چهار ساله‌ی این نظام نشان داده هر وقت از خارج، تحت فشار قرار گرفته و در پیشبرد اهداف شوم خود در خارج دچار بن بست شده نیروهای افسار گسیخته‌ی خود را به جان مخالفان داخلی انداخته تا بلکه با این اقدام تمرکز مردم را از شکست‌های پی در پی سیاست‌های نادرستی در منطقه به مشکلات داخلی جلب کند.

این موج جدید از خشونت در کوردستان نیز نشأت گرفته از این حال و روز جنون‌آمیزیست که رژیم بدان دچار گشته و کوردستان که از همان ابتدای سر کار آمدن آخوندها درمقابل این رژیم سر خم نکرده و از خواسته‌های مشروع خود دفاع نموده است، از دید امنیتی رژیم بعنوان تهدیدی بالقوه بشمار می‌آید و عقده حقارت خود را بر سر فرزندان کورد خالی می‌کند.

همگان ثابت کند که مردم کورد از نظر حاکمان تهران به مثابه دشمن و عاملان تهدید برای نظام نگریسته می‌شوند همبستگی تمام نیروهای مبارز را می‌طلبد تا هیچ شبهه‌ای در نیت این رژیم نسبت به کوردستان و مردم کورد نماند و با اراده‌ای راسخ با سیاست‌های ضد انسانی آن مبارزه کنند.

مردمی به نحوی که از نبود اعتماد بین آنها شکافی ایجاد شود و از این راه بین آنها تفرقه ایجاد کند. در حالی که در بیخ گوششان افراد برجسته‌ی نظام کشته می‌شوند و تا حالا هم از نحوه کشتن آن سردرگم هستند که این خود نشانگر ناکارآمدی سیستم امنیتی رژیم است. از این طریق می‌خواهد به مردم

حقوق ملی خویش و در تضاد بودن نگرش و جهان‌بینی ملت آزادپخواه کورد با و نگرش واپسگرایانه و شونیسیم حاکم بر ایران است که البته در طول تاریخ این دو نگرش مدام در نزاع و کشمکش بوده و می‌مانند. هر چند این فشارها خود نشانگر اوج وخامت نظام جمهوری اسلامیست ولی رژیم ایران می‌تواند

این حال و روز جنون‌آمیزیست که رژیم بدان دچار گشته و کوردستان که از همان ابتدای سر کار آمدن آخوندها درمقابل این رژیم سر خم نکرده و از خواسته‌های مشروع خود دفاع نموده است، از دید امنیتی رژیم بعنوان تهدیدی بالقوه بشمار می‌آید و عقده حقارت خود را بر سر فرزندان کورد خالی می‌کند. احساس حقارت مستولان رژیم این

این نظام نشان داده هر وقت از خارج، تحت فشار قرار گرفته و در پیشبرد اهداف شوم خود در خارج دچار بن بست شده نیروهای افسار گسیخته‌ی خود را به جان مخالفان داخلی انداخته تا بلکه با این اقدام تمرکز مردم را از شکست‌های پی در پی سیاست‌های نادرستش در منطقه به مشکلات داخلی جلب کند. سرمایه‌گذاری کلان

واماندگی نظام در برابر مبارزات حق طلبانه و مشروع ملت کورد است. استفاده از قهر و سرکوب در هر نظامی نشان از تزلزل بنیادین در پایه‌های این نظام در برابر خواسته‌های جامعه و ناکارآمدی آن در حل مشکلات و پاسخگو نبودن در برابر آنان دارد. حال آنکه رژیم ادعای اقتدار و مردمی

کارنامه ۴۲ ساله رژیم ثابت می کند از چاله به چاه افتادیم

تروریستی و اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان و تهدید علنی دیگر کشورها ایران در انزوای سیاسی به سر می برد و در میان افکار عمومی به دلیل حمایت از گروه های افراط گرا و همکاری در سرکوب مردم سوریه چه در سطح منطقه و چه جهان کشوری مثبت نیست. بر خلاف ادعاهای مقامات رژیم تاثیرگذاری ایران بر مسائل جهانی به نسبت ۴۲ سال پیش کمتر شده است، عده ای از تحلیلگران معتقد هستند که ایران توانسته در منطقه خاورمیانه نفوذ خود را گسترش دهد و این در بلند مدت قدرت ایران در سطح جهان را هم افزایش خواهد داد اما واقعیت این است که حباب عمق استراتژیک ایران در حال ترکیدن است و علی رغم اینکه رژیم ایران تلاش زیادی می کند که حضورش در نقاط مختلف خاورمیانه را حفظ کند به دلیل مشکلات اقتصادی و افزایش فشارهای منطقه ای و جهانی رویای هلال شیعی و تسلط بر خاورمیانه در حال شکست کامل است.

با توجه به مطالب بالا و در نظر گرفتن مسائل زیست محیطی و همچنین اضطراب و استرس چندین سال گذشته مردمان ایران از وقوع جنگ به خاطر برنامه هسته ای رژیم و دیگر مسائل شرایط ایران از هر نظر نسبت به ۴۲ سال گذشته بدتر شده است و متأسفانه این رژیم امید را هم از مردم گرفته است اما این به این معنا نیست که قبل از انقلاب ۵۷ مردمان ایران از زندگی راضی بوده اند، خیر، مردمان ایران قبل از انقلاب ۵۷ هم مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند و به همین دلیل تصمیم به تغییر شرایط گرفتند اما اشتباه مردمان ایران و اپوزسیون این بود که به جای تغییر سیستم شخص محور تنها به تغییر اشخاص اقدام کردند و در واقع دیکتاتوری را سرنگون کردند تا دیکتاتوری دیگر بر آنان حکومت کند و متأسفانه اکنون عده ای فرصت طلب تلاش می کنند که از ناراحتی مردم و شرایط موجود برای توجیه اعمال گذشته خود و تشکیل رژیم فرد محور دیگری پس از سرنگونی رژیم کنونی استفاده کنند اما این رویایی بیش نیست و مطمئنا مردمان ایران دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نخواهند کرد، مردمان ایران برای دستیابی به یک زندگی خوش و آرام تنها یک راه در پیش دارند و آن اینکه متحدانه رژیم ایران را سرنگون کنند و با احترام به حق تعیین سرنوشت و با یک سیستم غیر متمرکز و دموکرات حقوق همه اقلیت های ملی و مذهبی را رعایت کنند و با کشورهای منطقه و جهان روابط دوستانه بر قرار کنند. از چاله به چاه افتادیم و اگر متحد نشویم و از تجربیات گذشته استفاده نکنیم در همین چاه می مانیم و یا اینکه به چاه عمیق تری خواهیم افتاد.

به ترکیه و عربستان داشت، اما به دلیل سیاست های رژیم ایران اکنون قدرتهای جهانی تسلیحات پیشرفته ای به ایران نمی فروشند و ایران در تامین نیازهای نظامیش با مشکلات جدی روبه رو است و بیشتر تسلیحات نظامی ایران فرسوده و قدیمی است و به نسبت ۴۲ سال پیش از تمام رقبای جهانی و قدرت های منطقه ای عقب افتاده است، البته رژیم ایران با تولید انواع موشک های زمین به زمین و ساحل به دریا و ساخت انواع پهپاد تلاش کرده است حداقل بخشی از کمبودها و نیازهای نظامی کشور را جبران کند اما به دلایل زیادی که در این مقاله امکان بررسی آن وجود ندارد توان موشکی و پهپادی ایران در حدی نیست که کمبودهای نیروی هوایی و دریایی را جبران کند. قدرت یک کشور به دهها فاکتور بستگی دارد اما اگر فقط قدرت نظامی و کمیت و کیفیت تسلیحات را در نظر بگیریم ۴۲ سال پیش ایران هم از ترکیه و هم عربستان قدرتمند تر بود، علی رغم اینکه ایران در زمینه تحقیقات و ساخت تسلیحات نظامی از ترکیه و عربستان و حتی در مواردی از کره جنوبی جلوتر است اما به دلیل اینکه تولید ناخالص داخلی ایران بسیار کم تر از این کشورها است و همچنین ایران برای همکاری با شرکت های خارجی و استفاده از تکنولوژی دیگر کشورها با مشکلات جدی روبه رو است به مرور زمان این برتری را هم از دست خواهد داد، اگر بخواهیم در یک جمله به این سوال پاسخ بدهیم که آیا قدرت نظامی ایران به نسبت ۴۲ سال پیش بیشتر شده یا نه باید بگوییم که علی رغم تلاش بسیار زیاد رژیم ایران در این زمینه به نسبت ۴۲ سال پیش توان نظامی ایران کم تر شده است.

جایگاه و قدرت ایران در سطح جهانی:

قدرت یک کشور در سطح جهان بستگی به فاکتورهای زیادی به ویژه قدرت اقتصادی و نظامی و روابط و هم پیمانی با دیگر کشورها دارد، ۴۲ سال پیش تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۱ درصد تولید ناخالص داخلی جهان بود اما اکنون این مقدار نیم درصد است یعنی به نسبت ۴۲ سال پیش نصف شده است و همچنین قدرت نظامی ایران همچون ۴۲ سال پیش یک قدرت منطقه ای است که توانایی درگیری در مناطق دیگر جهان را ندارد و به نسبت ۴۲ سال پیش قدرت نظامی ایران کم تر هم شده است، در زمینه روابط بین المللی و هم پیمانی با دیگر کشورها بر خلاف ۴۲ سال پیش که ایران در سطح منطقه و جهان کشوری مثبت و دارای روابط گسترده با قدرتهای جهانی بود و با هیچ کشوری روابط خصمانه نداشت اکنون به دلیل سیاست های افراط گرایانه رژیم ایران و حمایت از گروه های



اساس روابط فامیلی و سیاسی و فساد گسترده و دزدی و اختلاس و نبود برنامه های مشخص و صحیح اقتصادی است. هر چند سرانه تولید ناخالص داخلی ایران به نسبت ۴۲ سال پیش بیشتر شده است اما با در نظر گرفتن افزایش نیازهای انسان امروزی و رشد اقتصاد جهانی و توزیع ناعادلانه تر ثروت در ایران به نسبت ۴۲ سال پیش مردمان ایران فقیرتر شده اند.

نظامی:

در میان عامه مردم اغراق های زیادی در مورد توان نظامی ایران به خصوص نیروی هوایی در زمان رژیم گذشته می شود اما واقعیت این است که نه در دوران رژیم گذشته و نه این رژیم توان نظامی ایران و کمیت و کیفیت تسلیحاتش به هیچ عنوان قابل مقایسه با قدرتهای جهانی و حتی منطقه ای نبوده و نیست، برای اینکه به جواب این سوال برسیم که آیا توان نظامی ایران به نسبت ۴۲ سال پیش بیشتر شده یا نه باید همچون مسائل اقتصادی شرایط ایران را در مقایسه با دیگر کشورهای بررسی کنیم که متأسفانه امکان بررسی دقیق وجود ندارد اما با در نظر گرفتن فاکتورهایی می توان تا حدودی به جواب سوالمان برسیم و به همین جهت کمیت و کیفیت تسلیحات و میزان بومی بودن تسلیحات رو در نظر می گیریم، نیروهای نظامی ایران ۴۲ سال پیش از نظر کیفیت و کمیت تسلیحات شرایط بسیار بهتری نسبت به رقبای خارجی خود داشتند برای نمونه به دلیل روابط نزدیک و صمیمی با آمریکا نیروی هوایی ایران مجهز به هواپیماهای اف ۱۴ بود که در دوران خود جزو بهترین هواپیماهای نظامی جهان بود، ۴۲ سال پیش از نظر کمیت و کیفیت تسلیحات ایران شرایط بسیار بهتری نسبت

رسانه های رژیم با تمام توان تلاش می کنند با ارائه آمار و ارقام و دعوت از کارشناسان و منتشر کردن تصاویر و فیلم هایی از ۴۲ سال پیش کشور و مقایسه آن با شرایط کنونی به مردم القاء کنند که کشور پیشرفت کرده و این پیشرفت و توسعه به برکت وجود این رژیم و مدیریت صحیح رهبران آن است، اما این شیوه مقایسه کشور اشتباه و عوام فریبی بیش نیست چون همه کشورهای جهان به مرور زمان پیشرفت می کنند اما میزان پیشرفت و توسعه را باید با در نظر گرفتن امکانات و منابع در زمانی معین محاسبه کرد. بر اساس آمار بانک جهانی ۴۲ سال پیش تولید ناخالص داخلی ایران ۹۰ میلیارد دلار بود و کره جنوبی ۶۹ میلیارد دلار و همچنین ایران امکانات و شرایط و منابع بسیار بیشتر و بهتری نسبت به کره جنوبی داشت اما اکنون تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۴۰۰ میلیارد دلار و کره جنوبی ۱۶۰۰ میلیارد دلار است! یعنی تولید ناخالص داخلی ایران در این مدت حدود ۴ برابر شده و کره جنوبی حدود ۲۳ برابر! پله درست است کشور ایران از نظر تولید ناخالص داخلی و توسعه کشور به نسبت ۴۲ سال پیش خود پیشرفت کرده اما با در نظر گرفتن امکانات و منابع نسبت به رقبای خارجی کارنامه بسیار ناموفقی داشته است، شرایط بد اقتصادی اکنون ایران به دلیل مدیریت اشتباه و نبود برنامه های توسعه معقول و فساد گسترده و همچنین جنگ و تحریم ها است، البته جنگ و تحریم هم به دلیل سیاست های اشتباه رهبران و مسئولان رژیم است اما به اعتراف خود مسئولان رژیم بیشتر مشکلات به دلیل مدیریت اشتباه و فساد گسترده است، فقر و بیکاری و ناامیدی کنونی در ایران نتیجه ۴۲ سال انتصابات بر

سیستماتیک به اقلیت ها ظلم می شود و مردم نمی توانند در امور مهم کشور دخالت کنند اما سوالی که اینجا مطرح است این است که آیا اکنون به مردمان ایران بیشتر ظلم می شود یا در دوران رژیم گذشته؟ در هر دو دوران به شیوه سیستماتیک و قانونی حقوق اقلیت های ملی نقض شده و با فعالین حقوق ملیت ها به شدت بر خورد شده و در هر دو دوران رهبران ملیت ها در ایران بازداشت و شکنجه و اعدام شده اند اما میزان مراتب نسبت به قبل بیشتر شده است، در مورد اقلیت های مذهبی شرایط در دوران رژیم گذشته بهتر بود و در دوران رژیم ایدئولوژیک کنونی زندگی به کام اقلیت های مذهبی تلخ شده است به خصوص برای بهائیان، در مورد حقوق زنان و دیگر اقلیت های جامعه شرایط در ۴۲ سال گذشته بسیار بدتر شده است، در کل نقض حقوق اقلیت ها و برخورد خشن با آنان در ۴۲ سال گذشته بسیار بیشتر شده است، در هر دو دوران رای و نظر مردم در تعیین مسئولین رده بالای کشور و مشارکت در تصمیمات مهم کشوری نادیده گرفته شده است و علی رغم انتخابات نمایشی در دوران رژیم اسلامی مردم قادر نیستند مستقیما در امور کشور دخالت کنند، اساسا در هر دو دوران چیزی به اسم احزاب مستقل و آزادی بیان وجود نداشته است و با هر کسی که با شخص اول کشور مخالفت کرده برخورد شده است اما در این دوران شیوه های برخورد و میزان و شدت برخوردها متفاوت و بیشتر شده است، اگر در یک جمله خلاصه کنیم حقوق اقلیت ها و آزادی های فردی در این ۴۲ سال بیشتر نقض شده است.

اقتصادی:

هر سال در دهه به اصطلاح فجر

مختار

نقشبندی

اگر با دید واقع بینانه و متصفانه تاریخ را برسی نکنیم باز همان اشتباهات گذشته را تکرار می کنیم و تنها به پیشرفت و خوشی نخواهیم رسید بلکه نا امیدی و یاس جامعه را بیشتر فرا خواهد گرفت و اوضاع به نسبت گذشته بدتر خواهد شد، هنوز همه مسئولان رژیم ایران و متأسفانه بخشی از اپوزسیون متعصبانه از اعمال گذشته خود و هم فکرا نشان دفاع می کنند و پافشاری این عده بر مسیر و راه اشتباه مانع اصلی تغییرات جدی در داخل ایران و اتحاد اپوزسیون است. هم اکنون با گذشت چهار دهه از انقلاب سال ۱۳۵۷ این بحث مطرح است که آیا شرایط بهتر شده یا بدتر؟ در این مقاله سعی می کنیم به شیوه بی طرفانه با برسی و مقایسه شرایط کنونی کشور از لحاظ حقوق اقلیت ها و مسائل اقتصادی و نظامی و جایگاه ایران در سطح جهانی با شرایط قبل از انقلاب ۵۷ به جواب این سوال برسیم.

دموکراسی و حقوق بشر:

لغت دموکراسی به معنای حکومت مردم است و تقریبا همه کشورهای جهان ادعا می کنند که دارای حکومت های مردمی هستند اما دموکراسی در یک لغت و ادعا خلاصه نمی شود و حکومتی دموکرات و مردمی است که حقوق همه مردمان بدون تبعیض رعایت شود و مردمان قادر به تغییر مسئولین کشور باشند و مستقیما برای حال و آینده و سرنوشتشان تصمیم بگیرند، نه در زمان رژیم گذشته و نه اکنون ایران دارای حکومتی مردمی و آزاد نبوده است، چه در دوران رژیم گذشته و چه اکنون به طور

نگاهی کوتاه به مفهوم و معانی « نخبه»

پرویز

جباری

در ابتدای بحث به سیر مفهومی این واژه در دنیای غرب می‌پردازیم. این مفهوم در سیر تحول خود همچون بسیاری از مفاهیم دیگر، سرنوشت بسیار نزدیک و درآمیخته‌ای با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع متحول شده اروپا در دوران «مدرن» را دارد. واژه «الیت» یا نخبه در قرن هفدهم میلادی در ابتدا برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت و کیفیت خاص به کار گرفته می‌شد. مانند بسیاری مفاهیم دیگر در سیر تحول و کارکرد خود وارد حوزه علوم اجتماعی و سیاست شد. بدین صورت که کاربرد آن برای اشاره به گروه های اجتماعی برتر مانند واحدهای ضربت نظامی یا مراتب عالی تر اشرافیت تعمیم یافت. هر چند آغازگر بحث نخبگان به نوعی به حوزه اندیشه سیاسی افلاطون بر می‌گردد و می‌توان ریشه‌های آن را به فلسفه سیاسی دولت شهرهای یونان قدیم ربط داد ولی قدیمی ترین کاربرد شناخته شده واژه «نخبه» در زبان انگلیسی طبق نوشته فرهنگ انگلیسی آکسفورد در سال ۱۸۲۳م برای اشاره و توضیح گروه‌های اجتماعی بوده است. این مفهوم و بعدها اصطلاح در نوشته‌های سیاسی و اجتماعی اروپا تا اواخر قرن نوزدهم و نیز در بریتانیا و آمریکا تا سال‌های دهه ۱۹۳۰ م کاربرد گسترده‌ای پیدا نکرد.

مفهوم نخبه در بسیاری موارد به دارندگان مناصب عالی در درون نظام سیاسی نیز گفته می‌شود. در پاره‌ای موارد هم مفهوم نخبه در مورد افراد، گروه‌ها و شخصیت‌های دیگر اجتماع که از برتری خاصی برخوردارند به کار گرفته می‌شود، این برتری و شاخص بودن مستلزم در دست داشتن قدرت سیاسی و نظامی نیست. داریوش آشوری در دانشنامه سیاسی خود می‌گوید: «برخی از پژوهندگان علوم اجتماعی همچون هارولد لاسول در هر مرتبه از روابط اجتماعی یک قشر سرآمد یا (الیت) می‌شناسد. لاسول علاوه بر سرآمدان (نخبه گان) قدرتمند (حاکم) ، از سرآمدان ثروتمند، سرآمدان دانشمند و غیره نام می‌برد.» (داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ۱۹۷) قدرت سیاسی، نخبگان حاکم و نخبگان غیر حاکم یکی دیگر از تقسیمات این حوزه است که زمینه بسط و گسترش کاربرد این مفهوم را در سیاست بیشتر کرده است.

«هر چند نظریه‌پردازان اولیه نخبه گرایی بر روی عنصر سیاست و قدرت برای نخبگان بیشتر تاکید داشته‌اند. ولی با گسترش این مفهوم در حوزه‌های دیگر، امروزه تمام بخش‌ها و قسمت‌های مختلف جامعه نخبگان و برگزیدگان خاص خود را دارند. به این شرح می‌توان این دیدگاه «پاره توو» را تسری داد. از دیدگاه ایشان نخبگان (برگزیدگان) مشتمل بر کسانی است که دارای خصوصیات

استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت‌های عالی در زمینه کار خود و یا در بعضی فعالیت‌ها باشند.(گی روشه، تغییرات اجتماعی، ۱۱۶) ویلفردو پاره توو، بنیانگذار مکتب نخبه‌گرایی، نخبگان را سرآمدان هر شاخه از فاعیت بشری می‌داند. برخی از اندیشمندان سیاسی همین نخبگان را بر اساس نخبگان فکری و ابزاری تقسیم می‌کنند. در این تقسیم بندی تخصص، منابع و دانش آنها بنا به ویژگی نرم افزای یا سخت افزاری آن تامین کننده قدرت و نفوذ برای صاحبانش خواهد بود. گی روشه در کتاب تغییرات اجتماعی، نخبگان را بدین صورت تعریف می‌کند. «نخبگان، اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تاثیری که بر جای می‌گذارند، یا وسیله و زمینه تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و یا به وسیله ایده‌ها، احساسات و هیجاناتی که به وجود می‌آورند در کشش تاریخی جامعه موثر واقع می‌شوند.» (گی روشه ، ۱۲۱) بنابراین نخبه یا برگزیده در جامعه به کسانی اطلاق می‌شود که دارای استعدادهای ذاتی بیشتر و یا توانایی‌های بالای اکتسابی باشند. این افرا د می‌توانند دارای ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی باشند که در بهره‌هوشی و یا صفات دیگر خود را نشان می‌دهد. این صفات و ویژگی‌ها می‌توانند در دیگران کمتر باشد و یا وجود نداشته باشند، اما برای دارندگان آنان امتیازات و موقعیت‌هایی را به دنبال خواهد داشت. معمولاً نخبگان در جامعه به نوعی، اعضای ممتاز جامعه هم می‌باشند که ممکن است این برتری و ممتاز بودن در حوزه هوش، استعداد، قدرت اراده، فیزیک و موارد دیگر باشد.همین موارد برای صاحبان و دارندگان آنها اقتدار، شخصیت، قدرت، نفوذ و رهبری را به دنبال دارد.

در واقع مفهوم نخبه در کشورها و سنت‌های سیاسی مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است. هر جامعه‌ای بر اساس فرهنگ، سطح دانش و توسعه خود، نخبه‌های متناسب با جامعه نخبگان در تمام حوزه‌های مدیریت، سیاست و غیره بخش‌های کلان سیاست‌های راهبردی جامعه را به پیش می‌برند. این نخبگان می‌توانند با تولید اندیشه‌های مختلف در حوزه‌های متفاوت به بسیج و حرکت توده‌ها جهت بدهند و آنان را درگیر موضوعاتی نمایند که هدف و سیاست اداره جامعه در سطح خرد و کلان می‌باشد. در طول دوران تاریخی قبل از ظهور مکاتب سیاسی و اجتماعی که به نقش توده‌ها در جنبش‌های اجتماعی بها می‌دهند. نشانه‌ها و سمبل‌های تاریخی بر اساس قهرمان پروری، خلق آنها به صورت اسطوره، ناجی و غیره بوده است که همانا بر روی عنصر فردی در تغییرات اجتماعی بنا شده است. در این روایت‌ها با برشمردن توانایی‌های مشخص افراد

برگزیده، نقش عظیم و تاریخی به آنها بخشیده‌اند. این موضوع اشاره و تاکید بر این واقعیت را دارد که تمام اعضا جامعه توانایی و امکان حکومت کردن را ندارند. بر اساس نیاز و اداره جامعه و بر مبنای روابط اجتماعی انسان‌ها در بستر حوزه سیاست این نیاز بیشتر مشهود است که جامعه توسط عده‌ای هدایت، مدیریت و رهبری می‌شود. ضرورت این امر که به امر سیاسی شناخته می‌شود منجر به ظهور چهره‌هایی خاص می‌شود که با اقدام و تاثیر خود، به دیده اکثریت جامعه به عنوان نخبه تبلور پیدا می‌کنند.

نخبه‌گرایان کلاسیک هم، بر این باورند که نه تنها جوامع قبلی بلکه جامعه‌های آینده نیز شاهد سلطه اقلیت نخبه بر اکثریت جامعه خواهد بود. این تسلط با دانش و توانایی در حوزه‌های مختلف علوم و زمینه‌های دیگر است که انسان تا به امروز کنترل و هدایت آنان را در دست گرفته است. موسکا از اندیشمندان سیاسی به شکلی دیگر این موضوع را بیان می‌کند. «از آنجا که توده‌های مردم ترجیح می‌دهند مسئولیت تصمیم گیری درباره مسائل عمومی و کلان و نیز در بسیاری موارد مسائل مرتبط به خودشان را به نخبگان واگذار کنند. در مقابل، نخبگان یا سرآمدان توانایی سازمان بخشیدن به خویش را دارند. همین سازماندهی یکی از ویژگی‌های اصلی نخبه یا (الیت) بودن است. همواره اقلیتی از مردم می‌توانند به خود سازماندهی دهند، در حالی که اکثریت قاعدتا تشکل ناپذیرتر هستند. (حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی،۶۷) این قضیه یک ریشه تاریخی دارد به این صورت که در دوران تاریخی مختلف غالباً تصمیمات عمده به وسیله محدودی از افراد اتخاذ می‌شده که این خود از ویژگی‌ها و عناصر پایه‌ای نخبه بودن می‌باشد. این ویژگی در بستر تاریخی خود دچار تغییر گردیده است اما همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. «امروزه مرکز توجه و ثقل بحث در باره نخبه، ساختار، وظیفه و عملکرد نخبگان سیاسی است. به این شکل که قدرت آنها در یک نظام اجتماعی دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی به عنوان اشتقاقی از حاکمیت و استقلال ملی توجیه و تعریف می‌شود.البته باید توجه داشت که در تعریف نخبگان همواره بر این اصل تاکید می‌شود که تنها ابزار اجبار جهت حفظ گروه نخبه کافی نخواهد بود، بلکه ابزارهای معنوی نیز برای استحکام آن لازم و ضروری است». (ملک یحیی صلاحی، اندیشه‌های سیاسی غرب در قرن بیستم، ۱۲)

این ابزارها و منابع که اقتدار،

عنوان نیروی اجتماعی موثر در حوزه قدرت سیاسی قابل شناسایی وبررسی قرار گیرند. هر چند دیدگاه نخبه گرایی بر وجود نخبه واحد در قدرت واحد در جامعه تاکید دارند. «ولی به نوعی می‌توان گفت: هر چند نظریه‌های رئالیستی و نخبه‌گرایی اوایل قرن بیستم در نقد دموکراسی استدلال می‌کردند که در این جوامع همواره یک نخبه یا گروه سرآمد حاکم است، اما می‌توان گفت بر اساس تاکید بر «پلورالیسم» نخبه‌ها در جامعه مدرن یا نیمه سنتی با زایش پیچیدگی‌های اجتماعی - سیاسی، رشد نهادهای مختلف مدنی و نیز پیدایش و ظهور نخبه‌های مختلف، قدرت هم نیز رو به سوی تکثر دارد.» (حسین بشیریه، ۶۶) با شکل گیری منابع قدرت، گستردگی و تنوع دراعمال و هدایت آن دیده می‌شود. این منابع شامل (ثروت، شأن اجتماعی، تحصیلات، تخصص، اطلاعات، تشکیلات و غیره است. این منابع خود منجر به افزایش و تعدد نخبه‌های مختلف و مخالف می‌شود. همین اشتراک منابع مادی و غیرمادی یک یا چند نخبه، منجر به ائتلاف و یا هم پوشانی آنان می‌باشد. این خود زمینه را برای گروه نخبگان در یک رشته مهیا می‌کند. آنان با پوشش دادن یکدیگر بر محور عناصر مشترک در خود، اندیشه و آرمان مشترک برای خود بنا می‌کنند. روبرت میشل از پیروان مکتب ماکیاولی در نخبه‌گرایی در پرداختن به ویژگی و ماهیت این گروه از نخبه‌ها از اصطلاح جدیدی به نام «قانون آهنین الیگارشی» نام می‌برد. پیرو این نظم درونی و انحصاری در میان این گروه الیگارش‌ی، افراد می‌توانند با سازماندهی گروه خود همچون اقلیتی کوچک اما بسیار موثر وارد عمل شوند. آنان قادر خواهند بود نهضتی برپا کنند و حتی حرکتی انقلابی را را به وجود آورند. این خود باعث شکل گیری یک نهاد می‌شود در قالب احزاب و یا سازمان برای رقابت در یک موضوع واقعی سیاسی یا اجتماعی. این گروه از نخبگان با بهره گیری از ابزارها و امکانات وارد رقابت و مبارزه می‌شوند با گروهی دیگر از نخبگان و مخالفان خود که آنها نیز منابع، امکانات و گروه نخبه گان خود را دارند. نتیجه این امر ایجاد خطوط و مرزهایی است که سلسله نخبگانی را بر اساس ویژگی ها و منابع قدرت مشترک در برابر سایر نخبگان مشخص می‌کند. این جاست که رقابت میان آنها برای کسب یا اعمال قدرت آغاز می‌شود. « در جامعه شناسی سیاسی الیت‌ها، مبارزه الیت‌ها برای کسب و رقابت قدرت یک مبارزه عقلانی است. حال آنکه بسیج توده ها برای حمایت سیاسی از الیت ها متضمن رفتار غیر عقلانی و احساسی است. رقابت میان الیت ها(نخبه ها) بر حسب منافع و علایق ملموس صورت می‌گیرد، لیکن پیروزی هر الیت مستلزم جلب حمایت و بسیج مردم

از طریق تبلیغات و تحریک افکار عمومی و توسل به شگردهای بسیج گرایانه است.» (حسین بشیریه، ۶۷) هرچند که در نخبه گرایی استدلال می‌شود که قدرت به ویژه قدرت سیاسی تمایل به گروه کوچک یا افراد محدودی دارد. این موضوع را نیز باید اضافه کرد در این دیدگاه رقابت، منازعه و تضادهای سیاسی و مبارزه قدرت میان الیت‌ها می‌باشد نه بین نخبگان و توده‌ها. بنابراین باید گفت: نخبه‌ها در رقابت سیاسی برای کسب قدرت در برابر یکدیگر قرا می‌گیرند و در نهایت حذف یا پیروز می‌شوند. رقابت آنان بر اساس ایدئولوژی و سازماندهی خود می‌باشد تا به اهداف و آرمان‌های سیاسی خود که بر پایه یک تئوری سیاسی بنا گردیده است نایل آیند. هر چند برخی بر این امر استدلال کرده‌اند که «توده‌های بی شکل جامعه طبق تجربه تاریخی ناتوان از حکومت بر خویش‌اند و هراز گاهی به صورت ناگهانی و تا اندازه‌ای خود جوش و متاثر از گفتار سیاسی - اجتماعی روشنفکران و نخبگان در صحنه تاریخ و سیاست ظاهر می‌شوند و در انتقال قدرت از گروهی به گروهی دیگر موثر واقع می‌شوند. «(بشیریه،۶۶)، اما در نهایت این نخبگان هستند که به دلیل تربیت، آموزش و نیز سازماندهی خود سرنوشت جامعه و سیاست را در دست می‌گیرند. این یک میراث تاریخی و سنت سیاستگذاری از راه نخبه، سرآمدان، رهبران سیاسی و تاریخی جامعه درعرصه سیاست کهن و جدید می‌باشد.

گی روشه جامعه شناس و منتقد اجتماعی فرانسوی زبان کانادایی، نخبگان را به عنوان بخشی از کارگزاران اجتماعی می‌داند. او عقیده دارد که اشخاص و گروه‌های صاحب قدرت، هسته مهمی از نخبگان را تشکیل می‌دهند. درتعریفی هم که از نخبه ارائه می‌دهد از دو ملاک «اقتدار و نفوذ» برای تقسیم بندی نخبگان بهره می‌برد. بر اساس دیدگاه گی روشه، نخبگان مختلف می‌توانند در تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی، تاثیرات مختلف و پایداری را بر جامعه و توده‌ها داشته باشند. او در موثر بودن تصمیم گیری‌های آنها در کنش‌های تاریخی و در پیامدهای درونی جامعه توجه ویژه دارد. مشارکت و فعالیت آنها باعث می‌گردد تاثیر مستقیم در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی داشته باشند. با بهره گرفتن از مولفه‌های که در اختیاردارند در زمان مناسب تصمیم می‌گیرند و وارد عمل می‌شوند. در واقع می‌توان گفت نقش و عمل



در تغییر اجتماعی یا مقاومت در مقابل تغییر را به عنوان تصمیم گیری نخبگان قدرت دانست. در تحولات اجتماعی و در روبرو شدن با موضوعات مختلف،هر کدام از نخبگان بنا به توان، اقتدار و نفوذ خود در جامعه تصمیماتی می‌گیرند که در شرایط عادی چنین چیزی شاید غیر طبیعی باشد نخبگان به عنوان اراده معطوف به قدرت می‌باید در شرایط بحرانی و فضایی که تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی نیاز به تصمیمی فراتر از شرایط عادی است، تصمیم بگیرند. همین موضوع هسته مرکزی و عنصر اساسی نخبگان قدرت است.

گی روشه الگوسازی را نیز مورد دیگری می‌داند که نخبگان، نفوذ خود را از طریق آن نیز اعمال می‌کنند. با توجه به اینکه آنها سمبل و نمونه‌های زنده‌ای از طرز موجود و عمل هستند، نسبت به برخی دستجات، گروه‌ها و یا بر کل افراد جامعه قدرت و نفوذ پیدا می‌کنند. گی روشه همچنین بر اساس الگو برداری از تقسیم بندی ماکس وبر در باب « حاکمیت «نفوذ» یک طبقه بندی شش گانه درخصوص نخبگان نیز ارائه می‌دهد. این تقسیم بندی عبارت است از:

- نخبگان سنتی و مذهبی
- نخبگان تکنوکراتیک یا فن سالاران
- نخبگان مالکیت
- نخبگان خارق العاده (کاریزماتیک)
- نخبگان ایدئولوژیک
- نخبگان سمبلیک

هر کدام از این نخبگان با توجه به محیط و بستر رشد و نیز زمینه و نیروی مادی و غیرمادی می‌توانند نقش و تاثیر خاصی را بر جامعه داشته باشند. ارتباط ارگانسیم از راه نهادهای سنتی و دینی و نهادهای مدرن همچون، دانشگاه‌ها، مدارس عالی، روزنامه‌ها و موسسات تحقیقی، احزاب و سازمان‌ها با توده‌ها ارتباط و پیوند می‌گیرند. نخبگان از منابع قدرت، تکنیک‌ها و روش‌های عمل سیاسی و اجتماعی که می‌توانند با بسیج جامعه قدرت را به چالش بکشند و یا تصمیمات و اراده سیاسی قدرت را به پیش ببرند بهره می‌گیرند. هر کدام از این نخبگان با بهره گرفتن از منبع نفوذ و اعتبار می‌توانند پیروانی برای خود داشته باشند که با سازمان دهی صحیح به عنوان نیروی سیاسی و موثر و قابل تاثیر در تحولات سیاسی و اجتماعی نقش و کارد ماندگار داشته باشند.

کوردستان



پیشوا

صانعی

هر چند حملات رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران بر علیه مردم و احزاب سیاسی اپوزیسیون رژیم، بویژه احزاب اصیل کوردستان دارای سابقه‌ای به درازی عمر این رژیم ضدبشری می باشد اما آنچه که در چند دهه حکومت ننگین بار رژیم در این زمینه پرسش برانگیز بوده است شدت، مکان و تمرکز در این حملات است. ماهیت رژیم تروریستی و ضدبشری جمهوری اسلامی ایران چه در سطح جوامع بین‌المللی و چه در داخل کشور بر همگان آشکار می‌باشد به گونه‌ای که تنها کافیس‌ت نام این رژیم بر زبان آورده شود، تصویری از اعدام‌های دسته جمعی، تبعیض، ظلم و بیدادی در ذهن هر انسان آزادی خواهی در جهان تصور خواهد شد.

از همان ابتدای بر سر کار آمدن رژیم ضدبشری و تروریستی جمهوری اسلامی ایران تا به امروز تمرکز، مکان و بیشترین شدت حملات از جانب رژیم در شهرهای کوردنشین و بر علیه مردم و احزاب اصیل کوردستان بوده است، بنابراین این چنین می توان گفت؛ تا به امروز تمرکز و مکان این حملات تغییر آنچنانی نداشته و در واقع تغییرات اصلی درشدت حملات بوده است.

حال پرسش اصلی این است که چه عواملی سبب شده که تمرکز و مکان حملات رژیم نامشروع و ضدبشری جمهوری اسلامی ایران تغییری نداشته باشد و چرا شدت این حملات در چند دهه‌ی اخیر همواره در تغییر بوده است؟

با نگاهی گذرا به تاریخ مبارزاتی ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران بر علیه رژیم از بدو تاسیس تا به امروز به این واقعیت پی خواهیم برد که این مردم و احزاب اصیل کوردستانند که بیشترین تأثیرگذاری را در مبارزات حقلطلبانه‌ی ملیتهای تحت ستم در جغرافیای سیاسی ایران بر علیه رژیم چه در اوایل تأسیس و چه در حال حاضر را بر دوش کشیده‌اند و با جرأت می‌توان گفت در بسیاری از موارد نیز یک تنه به مبارزه با رژیم پرداخته‌اند.

بنابراین سابقه‌ی مبارزاتی مردم و احزاب اصیل کوردستان، ترس سرنگونی برای رژیم را چند برابر ساخته است به گونه‌ای که تأسیس و تشکیل رژیم نامشروع جمهوری اسلامی ایران همچنان تمرکز و مکان حملات رژیم بر شهرها، مردم و احزاب اصیل کوردستان می‌باشد.

در طول چهل سال گذشته تغییرات زیادی در معادلات سیاسی جهان به وجود آمده است و بدون شک بر مبارزات حقلطلبانه‌ی ملت کورد در سرتاسر کوردستان بزرگ نیز تأثیرگذار بود، تغییر در معادلات سیاسی در منطقه از سویی راه را برای بخش‌هایی از کوردستان برای رهایی از استبداد هموار ساخته و از سویی دیگر دشوار و گاهی بر سر دو راهی، به گونه‌ای که در صورت غفلت و اشتباه در تصمیم‌گیری سیاسی احتمال از دست دادن بخش‌های آزاد شده‌ای از کوردستان بزرگ را چند برابر می‌ساخت.

با توجه به تغییر معادلات سیاسی در منطقه و بنا بر وظیفه و احساس مسئولیت ملی، احزاب اصیل کوردستان مجبور به کاهش حضور درمیان مردم و ترک

کوهستان‌هایی شدند که همانند پشتیبانی بزرگ برای ادامه و گسترش مبارزات و همچنین پناهگاه و دژ محکمی در برابر رژیم شدند، این اقدام احزاب کوردستان احساس مسئولیتی ملی و به منظور حفاظت از دستاوردهای بخش دیگری از خاک کوردستان بزرگ بود.

با کاهش حضور میدانی احزاب و توقف مبارزات مسلحانه، شدت حملات رژیم تا حدودی بر احزاب کوردستان و بخش‌های دیگر کوردستان کمتر شد، پس از سپری شدن بیست سال از احساس مسئولیت و حفاظت از دستاوردهای ملی، حزب دمکرات کوردستان ایران با توجه به شرایط منطقه‌ای و وضعیت شرق کوردستان حضور نظامی، سیاسی و میدانی خود را در شهر و روستاهای شرق کوردستان افزایش داده و نیروهای خود را در کوهستان‌های کوردستان مستقر ساخت، چنین اقدامی از سوی حزب دمکرات کوردستان ایران، رژیم نامشروع جمهوری اسلامی ایران را هراسان ساخت، به گونه‌ای که شدت حملات خود را بر مردم و احزاب کوردستان بیشتر کرد، در مورد شدت این حملات می توان به موشک باران و توپباران مناطق مسکونی اقلیم کوردستان به بهانه‌ی حضور مبارزین کورد، فشار بر خانواده‌ی پیشمرگه‌های کوردستان، دستگیری فعالان مدنی و ...، تولید و پخش مستندهای دروغین و به نیت سیاهنمایی و همچنین بازداشت گروهی فعالان مدنی و مردم کوردستان به منظور رعب و وحشت در میان مردم و ایجاد حکومتی نظامی در شهرهای کوردستان اشاره کرد. همان گونه که اشاره شد مکان، تمرکز و شدت حملات رژیم عمدتا

بر مردم و احزاب کوردستان می‌باشد، این امر نشانه‌گر تأثیر این احزاب بر مبارزات حقلطلبانه مردم کوردستان و همچنین ترس رژیم از پشتیبانی گسترده مردم از احزاب اصیلی همچون حزب دمکرات کوردستان ایران می‌باشد. بنابراین مکان و تمرکز حملات طی این سالها تغییر آنچنانی را در خود احساس نکرده است و عمده‌ی تغییرات، افزایش روزافزون و شدت بخشی به حملات از جانب رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران بوده است که نشانگر پیمایش مسیر درست مبارزاتی احزاب اصیل کوردستان می‌باشد. بزرگانمان در وصف جایگاه حق برایمان از دیرباز سخنی بر جای گذاشته‌اند؛ تیر دشمن رو به هر سمتی باشد بدون شک حق هم آنجاست! رژیم نامشروع جمهوری اسلامی ایران با همه‌ی وجودش خطر سرنگونی را لمس می‌کند بنابراین تمرکز، مکان و شدت حملاتش را بر کوردستان متمرکز ساخته است، این چنین رویکردی نشانگر راه درستی می‌باشد که در سال‌های اخیر احزاب اصیلی همچون حزب دمکرات کوردستان ایران بر آن متمرکز شده است و خوشبختانه مورد استقبال و حمایت مردم دلسوز و آزادیخواه کوردستان قرار گرفته و به کابوسی بزرگ برای سرمدمداران رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران نیز مبدل گشته است، این حرکت بزرگ توسط مردم دلیر کوردستان به خیزش دوباره (پاسان) نام گذاری شده است.

پاینده باد مبارزات حقلطلبانه‌ی ملیت‌های تحت ستم در جغرافیای سیاسی ایران

سرنگون باد رژیم نامشروع و تروریستی جمهوری اسلامی ایران

موشک‌های شلیک شده به فرودگاه عدن ساخت رژیم ایران بودند

"معمر الاریانی" وزیر اطلاع‌رسانی دولت قانونی یمن با اشاره به حمله یک ماه گذشته حوثی‌ها به فرودگاه بین‌المللی "عدن"، گفته است: "این حمله با موشک‌های ساخت رژیم ایران انجام گرفته است." "الاریانی" از جامعه بین‌الملل خواست تا با به "تروریست خواندن" شبه‌نظامیان حوثی وابسته به رژیم ایران مانع از گسترش نفوذ این جریان در یمن شوند. حمله به فرودگاه "عدن" یکی از بزرگترین جنایت‌های شبه‌نظامیان تروریست "حوثی وابسته به رژیم ایران" از زمان کودتای آنها علیه دولت یمن تاکنون است که حجم اقدامات جنایت‌کارانه، فجیع و خونین این گروه شبه‌نظامی را نشان می‌دهد که فرقی با سایر گروه‌های تروریستی نداشته و حقیقت موضع این گروه درباره صلح را آشکار کرده است.

فرودگاه عدن در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰ هنگام ورود هواپیمای حامل رئیس و اعضای دولت یمن از سوی شبه نظامیان حوثی مورد حمایت رژیم ایران هدف حمله تروریستی موشکی قرار گرفت که در آن ۲۶ تن کشته و نزدیک به ۱۱۰ نفر از جمله مسئولان دولتی، اصحاب رسانه، دست‌اندرکاران فرودگاه و مسافران حاضر در آن زخمی شدند.

۳۰۰ گروه تندرو بسیجی آماده سرکوب هر گونه اعتراضات



روز چهار شنبه، ۸ بهمن ماه، "وحید امیریان"، معاون اجتماعی سپاه تهران، در گردهمایی بسیجی‌ها از تشکیل ۳۰۰ گروه امر به معروف و نهی از منکر برای سرکوب هر گونه اعتراضات احتمالی مردمی خبر داد. در این گردهمایی همچنین پاسدار رژیم "حسن حسن‌زاده"، فرمانده سپاه محمد رسول الله درباره حدود وظایف و اختیارات این گروه‌های سرکوبگر گفت، اگر کسی به هر نحوی قدمی برای تضعیف نظام بردارد منکر، و اگر کسی در مسیر تعالی کشور و نظام اقداماتی انجام دهد در مسیر معروف قرار گرفته است.

فرمانده سپاه تاکید کرده است که مراجع قضایی موظف شده‌اند از گروه‌های امر به معروف و نهی منکر حمایت قضایی کنند.

همچنین پاسدار رژیم "وحید امیریان"، معاون اجتماعی سپاه تهدید کرده است، اگر به آرمان معروف توهینی صورت گیرد با هماهنگی‌ها و تعامل، نیروی انتظامی استان و مراجع قضایی تندترین برخورد را با اختشاشگران خواهند کرد.

رژیم ایران در طول ۴ دهه حاکمیت استبدادی خود همیشه خواسته‌های مشروع مردم را با تندترین برخورد جواب داده و هیچ وقت حاضر نبوده که به مطالبات حتی مرکز نشینان هم جوابی در خور دهد و همیشه اعتراضات مسالمت آمیز مردم را با گلوله و سلول‌های مخوف زندان‌های خود پاسخ داده است.

عناصری از رژیم که در حال طراحی حمله به چندین سفارتخانه بودند بازداشت شدند

شبکه تلویزیونی "کان اسرائیل" خبر از بازداشت چند نفر از عوامل رژیم ایران که در حال طراحی حمله به سفارتخانه‌های اسرائیل، امارات متحده عربی و آمریکا در یکی از کشورهای شرق آفریقا بودند، داده است. طبق گزارش هدف، حمله به سفارتخانه‌های اسرائیل، امارات متحده عربی و آمریکا در کشوری در شرق آفریقا بوده که توسط سرویس‌های اطلاعاتی خنثی شد.

عوامل رژیم که در این عملیات نافرجام دستگیر شدند دارای تابعیتی دوگانه ایرانی – اروپایی بودند.

روز شنبه، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۱، منابع هندی نیز خبر از دست داشتن رژیم ایران در انفجار روز جمعه در نزدیکی "سفارت اسرائیل" در "دهلی نو" داده بودند.

بنابر گزارش "روزنامه ایندیا تودی"، یک ایرانی در انفجاری که روز جمعه در نزدیکی "سفارت اسرائیل در "دهلی نو" اتفاق افتاده بود، دست داشته است.

پیشتر نیز "محمد باقری" رئیس ستاد کل سپاه پاسداران رژیم هشدار داده بود که، "انتقامی سخت" در انتظار عاملان کشتن "سلیمانی و فخری‌زاده" است.

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران

در طی دو هفته اول بهمن‌ماه با استناد به آژانس خبرسانی کوردستان، (کردپا)

محکوم کردن شهروندان به حبس



یک شهروند کورد به نام «احمد محمدی» ۵۱ ساله فرزند صالح از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سقز به ریاست قاضی «جواد مصطفایی» به چهار سال حبس تعزیری محکوم شد.

روز چهارشنبه یکم بهمن‌ماه، سه شهروند کورد به نام‌های «نجم‌الدین سخنور ۳۶ ساله، شورش عبدالله‌نژاد ۳۷ ساله و صلاح آجی ۵۰ ساله» اهل روستای «گرگول سفلی» از توابع پیرانشهر از سوی دادگاه انقلاب این شهر هر کدام به پنج سال حبس تعزیری محکوم شدند.

سعید سنگر، زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر به یازده ماه زندان محکوم شد.

روز شنبه بیست و هفتم دی‌ماه، دادگاه انقلاب سنندج حکم سه سال حبس تعزیری را برای یک شهروند کورد به نام «زانا کسرایی» ۲۸ ساله فرزند هیوا اهل روستای «نی» از توابع مریوان صادر کرده است.

روز دوشنبه بیست و نهم دی‌ماه، دادگاه انقلاب پیرانشهر یک شهروند کورد به نام «ظاهر پس و پیش (جولا)» ۳۲ ساله اهل روستای «چیانه» را به سه ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم کرده است.

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز دوشنبه سیزدهم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «هاشم حسینی» فرزند عثمان اهل روستای «منجیلان» ساکن بانه بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز «هنگژآل» این شهرستان جان باخت.

روز سه‌شنبه هفتم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «واحد محمدی» ۳۰ ساله اهل روستای «میرآباد سفلی» از توابع بانه در حین عبور از ارتفاعات روستای «برویشکانی» در بخش نور سقوط کرد.

روز دوشنبه ششم بهمن‌ماه، جسد دو کولبر دیگر اهل روستای «کوران» از توابع منطقه صومای برادوست ارومیه به نام‌های «یاور اصلانی و فرات خدایی» که در زیر بهمن مفقود شده بودند، کشف شد.

قبل از کشف جسد این دو کولبر مفقود شده، جسد سه کولبر مفقود شده دیگر به نام‌های «متین اصلانی، بلین احمدی و مولایی خدایی» در زیر بهمن کشف شد.

اجساد این پنج کولبر با تلاش مداوم ساکنین بومی منطقه پس از هشت روز کشف شده است.

روز دوشنبه بیست و نهم دی‌ماه، این پنج کولبر بر اثر سقوط بهمن در مرز ارومیه جان خود را از دست دادند.

روز دوشنبه ششم بهمن‌ماه، یک کولبر کورد به نام «امیر ویسی» ۳۰ ساله اهل روستای «جوجار» از توابع شهرستان ثلاث باباجانی بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شد.

منتقل شد.

روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، دو شهروند کورد به نام‌های «طالب و رشید ریحانی» فرزند خضر اهل روستای «شاوله» از توابع شهرستان نقده توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «شورش احمدی» فرزند محمد اهل پیرانشهر در شهرستان میاندوآب توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «پشتیوان نبی زرگتن» ۳۷ ساله فرزند سلمان اهل پیرانشهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و جهت بازجویی به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در ارومیه منتقل شده است.

روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، پنج شهروند کورد به نام‌های «رشید احمدی و محمدامین احمدی» اهل روستای «لگژ» و «رضا، محمد و فرهاد زندی» اهل روستای «عباس آباد» از توابع بخش سیمینه بوکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، شش شهروند کورد به نام‌های «حسین مهربان، هیرش رسولپور، فواد محمدپور، فریبا احمدی و روژین محمدپور» اهل شهرستان بوکان و «دیاکو زرتشتی» اهل شهرستان نقده توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز شنبه بیست و هفتم دی‌ماه، دو عضو گروه موسیقی بانوان «گلاریس» کرمانشاه به نام‌های «نازنین اتابکی و نسترن یزدانی‌پور» پس از احضار به پلیس امنیت کرمانشاه بازداشت و به مدت چند ساعت مورد بازجویی قرار گرفتند.

روز یکشنبه چهاردهم دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «عبدالله آسال» ۲۷ ساله فرزند رحیم اهل روستای «میراو (محراب)» توسط نیروهای امنیتی بازداشت و جهت بازجویی به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در سنندج منتقل شده است.

شامگاه روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، در ادامه بازداشت شهروندان کورد در بوکان، یک شهروند دیگر به نام «علی زلفی» ساکن شهرک فرهنگیان بوکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

انتقال شهروندان به زندان



روز شنبه یازدهم بهمن‌ماه، سه شهروند کورد به نام‌های «اردشیر موسوی، مصطفی باقری‌آشنا و خلیل اسدی بوژانی» جهت اجرای حکم راهی زندان دیزل‌آباد کرمانشاه شدند.

دو شهروند کورد به نام‌های «قادر رسولپور» و «محمد حاجی رسولپور» اهل شهرستان بوکان پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی جهت بازجویی به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در ارومیه منتقل شدند.

روز دوشنبه ششم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «احمد الهی» ۳۳ ساله اهل مهاباد جهت اجرای حکم به بند زندانیان سیاسی زندان ارومیه انتقال یافت.

روز شنبه بیست و هفتم دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «حسن (رحمان) برای» فرزند اسماعیل اهل روستای «باوان» از توابع منطقه مرگور جهت اجرای حکم به زندان ارومیه منتقل شده است.

روز یکشنبه پنجم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «سالار چاوشی» فرزند عبدالله اهل روستای «حاجی لک» از توابع منطقه «چومی مجیدخان» بوکان جهت اجرای حکم روانه زندان این شهر شد.

بازداشت شهروندان



روز سه‌شنبه چهاردهم بهمن‌ماه، یک فعال محیط زیست به نام «رویا جلالی» اهل سنندج از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

بامداد روز دوشنبه سیزدهم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام‌های «سلیم شریفی» اهل روستای «کوروش آباد» از توابع اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

سه شهروند کورد به نام‌های «عزیز قادرتاج»، «آوات محمدپور» فرزند بایزید و «حسین محمدپور» فرزند عمر اهل شهرستان اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز شنبه بیستم دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «ساکار عینی» اهل شهرستان مهاباد توسط نیروهای امنیتی وابسته به اطلاعات سپاه در تهران بازداشت شده است.

روز شنبه یازدهم بهمن‌ماه، دو شهروند کورد به نام‌های «واحد شیخ‌محمدی» اهل روستای «علی آباد» و «فریدین بایزیدی» اهل اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

در ادامه بازداشت شهروندان در اشنویه، بامداد روز شنبه یازدهم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «شفیع شیخه» فرزند رحیم اهل روستای «چشمه گل» از توابع اشنویه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

بامداد روز شنبه یازدهم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «فیصل علی آبادی» فرزند یاسین اهل روستای «شاهوانه» از توابع اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

شامگاه روز پنج‌شنبه نهم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «جمال قاسمی» اهل اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

بامداد روز جمعه دهم بهمن‌ماه، چهار شهروند کورد به نام‌های «جمال نهالی» اهل اشنویه، «غفور اسپندار» اهل روستای «علی آباد»، «سید لقمان طاهری» اهل روستای «پیروت آباد» و «شورش برهم» اهل اشنویه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

طی روزهای اخیر، یک شهروند کورد به نام «سعید خالدی» فرزند امین اهل روستای «ساتیاری» از توابع بخش باینگان پاوه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

روز شنبه چهارم بهمن‌ماه، یک فعال مدنی به نام «ارسطو ملارحیمی» اهل مهاباد پس از احضار به ستاد خبری اداره اطلاعات این شهرستان بازداشت شده است.

روز دوشنبه بیست و دوم دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «فرامرز محمدی» اهل شهرستان مریوان ساکن تهران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و جهت بازجویی به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در سنندج منتقل شده است.

روز سه‌شنبه هفتم بهمن‌ماه، مصطفی ایلخانی‌زاده، محقق، نویسنده و مسئول مؤسسه فرهنگی و آموزشی «ادب» در بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز سه‌شنبه سی‌ام دی‌ماه، یک شهروند کورد به نام «سلام خلیفانی» اهل روستای «کانی بداع» از توابع پیرانشهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

روز یکشنبه پنجم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «بابک بابایی» ۳۰ ساله اهل شهرستان سقز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

طی روزهای اخیر، یک شهروند کورد به نام «سردار محمدپور» ۲۵ ساله فرزند خبات اهل روستای «آلی کند» از توابع بوکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

شامگاه روز شنبه چهارم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «جمیل احمدیان» اهل سنندج از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز شنبه چهارم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «افشین الهی» اهل شهرستان سقز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز پنج‌شنبه دوم بهمن‌ماه، یک شهروند کورد به نام «محمی‌الدین شامه» اهل بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی